

مروری بر بعد اقتصادی حج

<?xml encoding="UTF-8?">

هر یک از احکام و شرایع - حتی عبادی آنها - دارای آثار معیشتی، دنیوی و اقتصادی است؛ چرا که شرایع اسلامی تأمین کننده سعادت انسان در دنیا و آخرت و مدافع مصالح و منافع جامعه بشری در همه ابعاد به هم پیوسته حیات است. و با توجه به این نکته، که مصالح دنیوی و امور معیشتی ضرورتی است - که هر چند به عنوان مقدمه - برای دستیابی به سعادت ابدی بشر، غیر قابل اجتناب است، از این رو فرموده اند: «مَنْ لَا مَعَاشَ لَهُ لَا مَعَادَ لَهُ».

این ویژگی؛ یعنی «عنایت به معیشت و اقتصاد جامعه اسلامی در حج»، به دلیل جهانشمولی اش، بیشتر جلب نظر می کند و اسلام با نگرش ویژه خود به مسأله حجّ و نقش تعیین کننده آن در عزّت و عظمت امت و با توجه به ضرورت توانمندی اقتصادی در دست یابی به استقلال و اقتدار مسلمین برای امور معیشتی و اقتصادی و تجاری در موسم، راهکارهایی را گشوده است که آیات و روایات فقه و سیره اسلامی بیانگر آن می باشد. کنگره جهانی حج، دربرگیرنده منافع مسلمین است و زائران کشورهای اسلامی دراین کنگره، از آن منافع بهره مند می شوند؛ چنانکه آیه کریمه بیانگر است:

وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنَ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَوَائِلَ الْفَقِيرِ. (1)

«در میان مردم آهنگ حج را صلا ده تا پیاده یا سواره، بر شتران لاغر (رهوار) از سرزمین های دور به سوی تو آیند و شاهد منافع خود باشند و در روزهای معین خدا را یاد کنند که آنان را از گوشت حیوانات روزی داده است. پس بخورید از آنها و به مستمندان نیازمند بخورانید.»

این آیات، به نکاتی در فلسفه حج اشاره دارد:

- یاد خدا کردن و روحیه ایمانی و معنوی را تقویت نمودن.

- شاهد منافع خود بودن که به دلیل اطلاق و عدم تقیید به قید خاص، شامل منافع مادی و معنوی است و منافع اقتصادی را نیز شامل می شود.

- متعاقب آن، از گوشت قربانی و خوردن و خوراندن و اطعام به مستمندان سخن گفته است.

ابن عباس در تفسیر آیه کریمه می گوید:

«منافع الدنيا والآخرة، أمّا منافع الآخرة فرضوان الله تعالى، وأمّا منافع الدنيا فما يصيبون من منافع البدن والذبائح والتجارات». (2)

«منافع یاد شده در آیه؛ عبارت است از منافع دنیا و آخرت؛ منافع آخرت خشنودی خداوند است و منافع دنیا آن چیزی است که مردم از گوشت قربانی و تجارت به دست می آورند.»

همانگونه که آیه کریمه: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ... (3) بیانگر است، متعاقب توصیه به تقوا به عنوان ره توشه آخرت در این سفر روحانی در آیه قبل، به حج گزاران تذکر می دهد که ضمن انجام عبادت و ذکر خدا و تحصیل ره توشه تقوا مانعی وجود ندارد که از منافع اقتصادی و معیشتی نیز بهره گیرند.

مرحوم طبرسی گوید: مفاد این آیه رخصت دادن به کسب و تجارت، پس از انجام مناسک حج است و این در

روایات ائمه معصوم علیهم السلام آمده است. (4)

و نیز عیاشی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق چنین روایت کرده است:

«يَعْنِي: الرِّزْقُ إِذَا أَحَلَّ الرَّجُلُ مِنْ إِحْرَامِهِ وَ قَصَى نُسْكَهَ فَلْيَشْتَرِ وَ لْيَبِيعْ فِي الْمَوْسِمِ». (5)

مقصود از طلب فضل خداوند، تحصیل روزی است، هنگامی که شخص از احرام خارج شد و اعمال حج را به پایان برد، در موسم به خرید و فروش بپردازد.

شایان گفتن است: از همان آغاز که امّ القرای توحید تأسیس شد در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام آمده که ضمن نیایش با خدای خود گفت: ... وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (6) و بدین گونه از خداوند خواست خاندان خود و ساکنان این سرزمین مقدّس را از ثمرات روزی دهد و در آن بیابان خشک و سوزان، نعمت های خویش را ارزانی دارد تا آنان سپاسگوی حقّ باشند. و از اینجا استفاده می شود که مسأله رزق و معیشت در سرزمین حرم و جوار کعبه نیز جایگاه مهمّ خود را در حیات مادّی و معنوی امتّ موحد دارد و حضرت خلیل آن را در دعای خود منظور داشته است. و چنین شد و اراده خداوندی بر این تعلّق گرفت که آن وادی بی حاصل و بی آب و علف همیشه آباد و پر رونق باشد و از نعمت های فراوان برخوردار گردد. قرآن از این عنایت خداوندی که همواره استمرار داشته و خواهد داشت، بدینگونه سخن می گوید: أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ؟ (7) «آیا حرم امنی در اختیار آنان ننهادیم که همه نوع ثمرات و کالاهای بدن سوی برده می شود.» وگرنه چگونه باور کردنی است شهری که در میان سنگ های سخت و صخره های سیاه و کوه های دست اندر گریبان محاصره شده بتواند بار انداز ارزاق و کالاهای گوناگون از سراسر جهان باشد.

تلفیق دنیا و آخرت

در پاسخ به این پرسش که اگر حج یک عبادت و سیر و سفر الی الله است، چگونه می توان مقاصد مادّی را در آن جای داد؟ باید گفت: هر گاه دنیا با آخرت هماهنگ و در جهت «رضای حقّ» و «مصلحت خلق» باشد، در بینش اسلامی نه تنها مذموم و نکوهیده نیست بلکه مطلوب و ضروری است. شریعت اسلام آمیزه ای است از تکالیف و احکامی که «معاش» و «معاد» را ملحوظ داشته، باملاحظه این نکته که معیشت مقدمه سعادت آخرت است. در حج نیز مقاصد دنیوی و اخروی با همین فلسفه لحاظ شده است و بلکه عنایت به مسائل معیشتی، بازرگانی و اقتصادی در حج، پررنگ تر از دیگر احکام شریعت به چشم می خورد و همانگونه که ملاحظه می کنیم و صراحتاً در آیات و روایات مورد توجّه قرار گرفته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ فَلْيَوِّعْ هَذَا الْبَيْتَ». (8)

«کسی که خواهان دنیا و آخرت است، باید آهنگ این خانه کند.»

و نیز می فرماید: «حُجُّوا تَسْتَغْنَوْا»؛ (9) «حجّ به جای آورید تا بی نیاز گردید.» شاید رمز و نکته کلام نبوی این باشد که: اصولاً حجّ بار مالی قابل توجّهی را می طلبد و افزون بر آن، مشکلات را در بردارد که طبیعی این سفر است و گاه می شود علاقه به ثروت و وسوسه های نفسانی و شیطانی آدمی را از بذل و خرج در این سفر دشوار باز می دارد و آنگاه خانه خدا که برای مصلحت خلق سرپا است، خلوت می شود و شکوه امتّ اسلامی کم رنگ می گردد. لذا خداوند آن را با منافع دنیوی نیز همراه ساخته و وعده خیر و استغنا به زائران داده است تا از سنگینی هزینه ها نهراسند و به هر بهایی، حجّ خانه خدا کنند.

در عمل و تجربه نیز چنین بوده که حج نه تنها زیان مالی به بار نیاورده، بلکه سبب توسعه رزق و استغنا و بی نیازی بوده است؛ همانگونه که در کلام گهربار پیامبر گرامی دیدیم و امام علی بن الحسین علیهما السلام می فرماید:

«حُجُّوا وَ اغْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ وَ تَتَسَبَّحَ أَرْزَاقُكُمْ وَ تُكْفَوْنَ مَوْتُنَاتِ عِيَالِكُمْ». (10)

«حج و عمره به جای آورید تا بدنهایتان سالم بماند و روزیتان گشاده گردد و مخارج خانواده تان تأمین شود.»

امیرالمؤمنین علیه السلام طی خطبه ای با اشاره به نقش حج در نفی فقر و زدودن گناه می فرماید:

«حَجُّ الْبَيْتِ وَ اغْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَرْحَصَانِ الذَّنْبَ». (11)

«حج و عمره خانه خدا فقر را از میان برمی دارد و گناهان را پاک می کند.»

جالب آنکه برخی روایات علاوه بر بیان آثار مثبت حج در تأمین حوایج مادی و گشادگی روزی و رفع نیازمندی و فقر، به آثار منفی ترک حج نیز اشاره شده و صراحتاً بیان می کند که اگر کسی با داشتن توان مالی و استطاعت، این فریضه عظیم را ترک کند، باید از عواقب این گناه و تهی دستی هراسان باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه الغدير فرمود:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَعْنَوْا وَ لَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا». (12)

«ای مردم، برای حج رهسپار بیت الله شوید؛ زیرا هیچ خاندانی بر آن وارد نشدند مگر آنکه بی نیاز گشتند و تخلف نمودند مگر آنکه فقیر و تهی دست شدند.»

از قول امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نیز در روایتی آمده است: «الْحَاجُّ لَا يُمْلِقُ أَبَدًا قُلْتُ وَ مَا الْإِمْلَاقُ؟ قَالَ: الْإِفْلَاسُ، ثُمَّ قَالَ: وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ». (13) حج گزار هرگز تهی دست و ورشکسته نگردد.

بدین ترتیب حج افزون بر آثار معنوی، از پاداش دنیوی و نعمت های مادی نیز برخوردار است و بی نیازی و استغنا و برکت و سلامت همراه می آورد.

تجارت ضمن عبادت

در سفر حج به کسب و تجارت اجازه داده شده و چنانکه اشاره کردیم فلسفه آن بالا بردن توان مالی حج گزاران و در نتیجه تقویت عموم مسلمانان از رهگذر این کنگره جهانی است و تجارت و کسب در سفر حج خود عاملی است در برگزاری این فریضه جهانشمول و تأمین معاش گروهی از زائران که اگر کسب و تجارت نکنند، قادر به تأمین هزینه سفر خود نیستند. از این رو، رخصت داده شده که زائران از سود تجارت و داد و ستد و امثال آن در چهارچوب شرع و به تناسب شؤون بهره گیرند تا بدین وسیله استطاعت مالی و توان افراد بالا رفته و اجتماع حج فزونی گیرد.

معاویه بن عمار می گوید: از امام صادق پرسیدم کسی که به قصد تجارت رهسپار مکه می شود یا شتران خود را کرایه می دهد، حج او ناقص است یا تمام؟ حضرت در پاسخ فرمود: حج او تمام است؛ (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّجُلُ يَخْرُجُ فِي تِجَارَةٍ إِلَى مَكَّةَ أَوْ يَكُونُ لَهُ إِبِلٌ فَيُكْرِيهَا حَجَّتْهُ نَاقِصَةً أَمْ تَامَةً قَالَ لَا بَلْ حَجَّتْهُ تَامَةً). (14)

محمد بن سنان می گوید: امام علی ابن موسی الرضا علیهما السلام در پاسخ به سؤالاتی چند که طی نامه ای برای من نوشتند، از فلسفه حج نیز سخن گفتند و پس از ذکر اسرار عبادی و عرفانی و آثار معنوی و فرهنگی و تربیتی و تاریخ آن، به اقتصاد و آثار معیشتی نیز اشاره کردند. در بخشی در این نامه آمده است:

«وَمَعَ مَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ... وَ مَنَفَعَةٍ مَّنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مِمَّنْ يَحُجُّ وَ مِمَّنْ لَمْ يَحُجَّ مِنْ تَاجِرٍ وَ جَالِبٍ وَ بَائِعٍ وَ مُشْتَرٍ وَ كَاسِبٍ وَ مُسْكِينٍ وَ قَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَ الْمَوَاضِعِ الْمُمْكِنِ لَهُمُ الْإِجْتِمَاعُ فِيهَا كَذَلِكَ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...». (15)

«یکی از علل وجوب حج منافی است که از این رهگذر به همه خلق می رسد، و نیز منافعی است که نصیب کسانی که در شرق و غرب و خشکی و دریا هستند می شود؛ چه آنهایی که حج می گزارند و یا آنان که به حج نیامده اند؛ اعم از تاجر یا واردکنندگان، فروشنده یا خریدار، پیشه ور یا مستمند. و همچنین حج تأمین کننده نیازهای ساکنان اطراف و امکانه ای است که می توانند در موسم اجتماع کنند تا بدین وسیله شاهد منافع خود باشند.»

به موجب این روایت آثار اقتصادی حج منحصر به حج گزاران نیست بلکه میلیون ها انسان که در گوشه و کنار جهان اسلام به سر می برند و هزاران خانواده در حرم و خارج حرم و حوالی مکه و کسانی که در اقصی نقاط، به نوعی با منافع حج سر و کار دارند از برکات حج بهره مند می شوند. از کشاورزی که محصول تولید می کند، هنرمندی که آثار هنری و دستی می آفریند، دامداری که دام می پرورد، راننده ای در حمل و نقل مشارکت دارد، بازرگانی که آذوقه و نیاز زائران را به صورت کلی و جزئی فراهم می سازد و سایر اصناف و اهل حرفه که در پدید آوردن امکانات این سفر سهیم اند، همگی از منافع حج بهره می برند.

در بازار اقتصادی حج میلیون ها انسان؛ از خرد و کلان تغذیه می شوند، نیاز سالانه خود را تأمین می کنند، حتی فقرایی که قدرت کار ندارند از احسان و انفاق حاجیان و ذبیحه زائران بهره می برند و اگر این امکانات و همین گوشت قربانی با برنامه ای دقیق پیاده می شد و به مصرف نیازمندان در هر شهر و اقلیمی می رسید، هزاران تن گوشت پاک و پاکیزه قربانی به هدر نمی رفت و به گرسنگان دنیا می رسید. علاوه بر این، وجوهات شرعی و برّیه و صدقه و انفاق، اعانه بسیار ارزشمندی برای نیازمندان خواهد بود و نیز سوغات سفر که نباید منحصر به نزدیکان و اقوام باشد بلکه سهم مساکین و محرومان نیز به گونه ای در آن لحاظ گردد تا از این رهگذر به آشنا و بیگانه مساعدتی هرچند اندک عاید گردد و موجب تحبیب قلوب و پیوند اجتماعی افزون باشد.

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر به بیان آثار اقتصادی و معیشتی حج پرداخته و در پاسخ به هشام بن حکم که فلسفه وجوب حج را می پرسد، چنین می فرماید:

«فَجَعَلَ فِيهِ الْإِجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا وَ لِيَتَرَبَّحَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ لِيَنْتَفِعَ بِذَلِكَ الْمَكَارِي وَ الْجَمَالِ وَ لِيَتَعَرَفَ أَتَارُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تُعَرَفَ أَخْبَارُهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى وَ لَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِثْمًا يَتَّكِلُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَ مَا فِيهَا هَلَكُوا وَ خَرِبَتِ الْبِلَادُ وَ سَقَطَتِ الْجَلْبُ وَ الْأَرْبَاحُ وَ عَمِيَتِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ تَقْفُوا عَلَى ذَلِكَ...». (16)

«مقرر شد تا مردم از شرق و غرب به این سرزمین بیایند و یکدیگر را بشناسند و همه گروه ها از تجارت و حمل و نقل کالا از شهری به شهر دیگر بهره گیرند. و چارپادار و شتریان سود برند و آثار و اخبار پیامبر خدا شناخته شود و در خاطره ها تجدید گردد و فراموش نشود و اگر قرار بود هر جمعیتی تنها از کشورها و شهرهای خودشان و حوادث و مسائل منطقه ای سخن بگویند مردم نابود می شدند و شهرها ویران می گردید و بازرگانی و سود آوری تعطیل می شد و اخبار و حوادث در پرده ابهام می ماند و کسی بر آنها آگاهی نمی یافت.»

چنانکه ملاحظه می کنیم: امام صادق علیه السلام در این روایت به آثار جهانشمول حج توجه داده و مسائلی را یادآور شده اند:

1 - اطلاع و آگاهی از آثار پیامبر خدا که در این سرزمین پربركت پا به عرصه وجود نهاد و بزرگترین مكتب آسمانی را پی افكند و آثار جاودانش خاطره وحی و رسالت و مجاهدت ها را در اذهان تداعی می كند كه این موضوع از بعد فرهنگی جای تشریح و بیان دارد.

2 - آشنایی مسلمانان با یكدیگر در این كنگره عظیم جهانی توحید و تبادل نظر در مسائل جهانی مسلمین و خروج از حصار تنگ نژاد و سرزمین و رنگ و سایر مشخصه های اقلیمی و پیوستن به اقیانوس بی کران امت اسلامی و جهان انسانی و چنگ زدن به ریسمان الهی كه جهان اسلام را به صورت یک پیکر درآورده تا در جهت حل مشكلات و دردها و رنج ها و رایزنی و چاره اندیشی پردازند - از بعد اجتماعی و سیاسی جای بحث فراوان دارد.

3 - فراگیر بودن منافع حج نسبت به عموم مسلمین و بلکه عموم مردم جهان، از حج گزار و غیر آنها كه از این دریای متلاطم و چشمه فیاض، هر گروهی حسب حال و استعداد خود به نوعی بهره گیرند.

4 - تأکید بر این كه مردم نباید با تنگ نظری و محدودنگری، تنها به مصالح و منافع خود و منطقه جغرافیایی خاص خود بیندیشند كه این نوع تفكر، جهان را به ویرانی می كشد و سرنوشت انسان ها را تباه می سازد و این با فلسفه و بینش جهانشمول اسلام و انسان دوستی و نگرش فراملیتی و برون مرزی آن در تضاد است.

اسلام آیین بشریت است. پس در اجتماع عظیم حج باید مصالح همه انسان ها و همه كشورها مدنظر قرار گیرد تا منافع آن فراگیر شود و ... قِيَاماً لِلنَّاسِ... تحقق پذیرد و آبادی شهرها و حیات انسان ها به این است كه چرخ های اقتصادی به گردش درآید و همه انسان ها از این رهگذر سود برند، فقر و تهیدستی از جامعه رخت ببرند، عمران و آبادانی بیاید و تمدن اسلامی نیرومند شود. بدین ترتیب، موسم حج، سایر كشور و انسان ها را نیز تغذیه می كند و افراد بسیاری در پرتو آن ارتزاق می كنند و بدین ترتیب تعاون بین الملل اسلامی در حج تحقق می پذیرد.

مسأله جهانی شدن و جهانی سازی

از مسائلی كه در عصر ما در پهنه سیاست و فرهنگ و اقتصاد مطرح است مسأله جهانی سازی و جهانی شدن است. هرچند این بحث مجالی مناسب تر و میدانی گسترده تر می طلبد تا صاحب نظران و نظریه پردازان در آن به بحث و گفتگو بنشینند اما در اینجا به تناسب موضوع و با در نظر داشتن نکات ارزشمند و شایان تأمل كه در سخن امام صادق علیه السلام دیدیم با نگرشی اجمالی به موضوع، تا آنجا كه به منافع حج در بعد اقتصادی مرتبط است می نگریم.

چنانكه اشاره شد موضوع جهانی سازی از مسائلی است كه امروزه در سطح بین الملل مورد مذاكره و مشاجره است. در جهان غرب گروه هایی به نقد این اندیشه پرداخته و به مبارزه با این سیاست استعماری برخاسته اند، در حالی كه سیاست های حاكم كه در اندیشه كنترل و قبضه كردن توان اقتصادی و به دنبال آن سیاسی و فرهنگی همه كشورها هستند، بر آن پای می فشارند و آن را به عنوان راه كاری برای سلطه بیشتر جهانی خود برگزیده اند. چنانكه می دانیم: دولت آمریکا سردمدار این تفكر است، تفكر تك قطبی كردن جهان به مركزیت غرب و سرکردگی آمریکا. روند جهانی سازی بر آن است كه تا هویت و اعتبار كشورها، به ویژه جهان سوم را بیش از پیش محو و نابود سازد و وابستگی شدیدتری را پی ریزی كند. در روند جهانی سازی، نه تنها اقتصاد بلکه قومیت، ملیت، فرهنگ و سیاست ملل، تحت سلطه لگدكوب ابرقدرت ها می شود، و این يك فاجعه بزرگ دیگر برای دولت ها و ملت های جهان سوم به ویژه كشورهای اسلامی است و در این طرح استكباری، جهان اسلام به دلیل ذخائر كلان طبیعی بیشتر هدف توطئه می باشد.

تنها راه مقابله با این سیاست استکباری وحدت امت هاست و بازیابی هویت دینی، ملی، تاریخی و تکیه بر منافع مشترک و روآوردن به پیمان های منطقه ای در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و مشترکات دینی، و قطع وابستگی ها و گسستن غل و زنجیرهایی است که غرب به سرکردگی آمریکا بر کشورها نهاده است. بنابراین جهانی سازی یک طرح استکباری است، در حالی که جهانی شدن زیر لوای توحید و وحدت امت، در فلسفه اجتماعی اسلام منظور گردیده و حج می تواند نقش مؤثر در تحقق آن داشته باشد.

قرآن کریم، کعبه و حج را ... قِيَاماً لِلنَّاسِ... ؛ یعنی عامل برپایی و پایداری و استقلال مردم خوانده است. و امت اسلام با تکیه بر این ستون استوار الهی می تواند دریای انسان های مؤمن را به یکدیگر پیوند دهد و روح واحد را بر آنها حاکم سازد. این قوام و استواری که قرآن بدان اشارت فرموده است، شامل دین و دنیای مردم می شود. در این خصوص روایتی است از امام صادق علیه السلام که در پاسخ به ابان ابن تغلب که معنای آیه فوق را می پرسد، می فرماید: «جَعَلَهَا اللَّهُ لِدِينِهِمْ وَ مَعَايِشِهِمْ» ؛ (17) «خداوند کعبه را قائمه ای برای دین مردم و معیشت و زندگی آنان قرار داد.»

بدین ترتیب حج از منظر اقتصادی و معیشتی نیز در قوام امت تأثیر به سزا دارد. با این بیان:

- 1 - فعالیت های اقتصادی می تواند به برگزاری این مراسم عبادی، سیاسی یاری رساند.
- 2 - مردم بسیاری در پرتو حج امرار معاش می کنند و چرخ های اقتصادی به حرکت در می آید و عمران و آبادانی را به همراه می آورد.
- 3 - قدرت اقتصادی مسلمانان می تواند در صحنه بین المللی، آنان را مقتدر سازد و از وابستگی و طفیلی بودن در همه زمینه ها برهاند.
- 4 - از این رهگذر می توان تولید کار و اشتغال نمود و از حجم بیکاری کاست و علاوه بر آن زمینه بسیاری از مفاسد اخلاقی را از میان برد.
- 5 - حج فرصتی است که مسلمانان می توانند فراورده های صنعتی، محصولات کشاورزی و سنتی و سایر تولیدات خود را در این بازار بین المللی اسلامی عرضه کنند و به صورت نمایشگاه بازرگانی در معرض دید جهانیان قرار دهند و مشوق یکدیگر به تولید و تکاپوی اقتصادی باشند و با همکاری یکدیگر کشورهای اسلامی را به رشد و توسعه هدایت کنند و تبادل اطلاعات نمایند و از تجارب یکدیگر بهره گیرند.

وضع کنونی بازار حرمین

با تأسف، کشورهای اسلامی از چنین فرصتی غفلت ورزیده و سرزمین وحی را با مظاهر صادرات بیگانگان پوشش داده اند. بازار مکه و مدینه امروزه به نمایشگاه صنعتی و تجاری غرب و شرق تبدیل شده است. در آنجا محصولات کشورهای اسلامی کمتر به چشم می خورد و عمده سوداگران اصلی این بازار غیر مسلمانان و حتی از دشمنان اسلام هستند که انبوه ثروت و ارز مسلمین را به تاراج می برند و به کمپانی ها و کارخانه ها و جیب سرمایه داران بیگانه می ریزند درست همان وضعی که در کشورهای اسلامی می گذرد. تولیدات و صادرات خارجی بازار مسلمین را پر می کند و بازار تولیدات داخلی به هر دلیل کساد می شود و وابستگی و دنباله روی روز افزون می گردد. جا دارد که کشورهای اسلامی و دولت ها و ملت ها و برنامه ریزان اقتصاد بیدار شوند و به این امر بیندیشند و در بازار مصرف تجدید نظر کنند و تا آنجا که ممکن است از فراورده های خودی مصرف کنند و از تجمل و تنوع گرایی در مصرف به ساده زیستی و معیشت عادلانه برگردند و در بالا بردن سطح علم و هنر و حرفه و تولید بکوشند تا

استقلال اقتصادی به دست آورند و بازار حج می تواند در این بیداری و تحوّل نقش آفرین باشد.

تذکار چند نکته مهم

1 - هدف اصلی و علّت غایی در هر عبادتی - از جمله حج و عمره - همانا توجّه به خدا و طلب قرب او و تحصیل آخرت است. این مقصد اساسی را هرگز نباید با اغراض دنیوی و اهداف مادی کمرنگ ساخت. بنابراین، هرگاه از آثار مادی و کسب و تجارت و اقتصاد و معیشت سخن به میان می آید، جنبه آلی دارد نه استقلالی؛ زیرا در اسلام، مادیات مقدمه معنویات است و دنیا مقدمه آخرت. از این رو در روایات آمده است:

«الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ سَوْقَانِ مِنَ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ اللَّائِمُ لَهُمَا مِنْ أَصْيَافِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ أَبْقَاهُ أَبْقَاهُ وَ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ إِنَّ أَمَاتَهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ». (18)

«حج و عمره دو بازارند از بازارهای آخرت، آن کس که به این دو تمسک جوید در زمره میهمانان خدا است اگر او را زنده بدارد گناهی برای وی باقی نگذارد و اگر بمیراند او را در بهشت برین جای دهد.»

به همین دلیل از کسانی که حج را وسیله تفرّج و تجارت و تکدّی قرار داده اند نکوهش شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روایتی که از آینده روزگار خبر می دهد، درباره کسانی که حج را وسیله مقاصد مادی قرار داده اند، با لحن انتقادی فرموده است:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ نُزْهَةً وَ حَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً وَ حَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً...». (19)

«برای مردم زمانی می رسد که حج زمامدارانشان برای تفریح و تفرّج و حج توانگران برای تجارت و زراندوزی و حج مستمندان برای سؤال و تکدّی گری است.»

در بدو امر چنین به نظر می رسد میان روایاتی که از کسب و تجارت در حج نکوهش کرده و روایاتی که تکسّب و تجارت را مجاز می دانند و بلکه بدان توصیه می کنند، تناقض وجود دارد. این نکته مورد توجّه فقها و محدّثین ما بوده است و به حلّ آن پرداخته اند. محدّث بزرگ مرحوم شیخ حرّ عاملی در مقام جمع این روایات می گوید:

«روایت پیامبر صلی الله علیه و آله (که حجّ اغنیا را تجارت می داند) بر بطلان حج دلالت ندارد و در مقام نکوهش نیست بلکه صرفاً جنبه اخباری دارد و یا در مقام نکوهش کسانی است که به قصد تفرّج و تجارت به حج می روند و یا بیانگر کراهت آمیختن سفر حج به تجارت و امثال آن می باشد، هر چند اعمال حج در چنین وضعیتی مجزی است و با انجام آن تکلیف ساقط می شود.»

در هر حال مسلم است که هر عبادتی، اگر با انگیزه مادی و بدون قصد تقرب انجام شود، نه تأثیر معنوی دارد و نه مسقط تکلیف است و حج نیز چنین است. فلسفه بنیادین حج آهنگ خدا و آخرت و انقطاع از خلق و پیوستن به حقّ است و ابراهیم وار از همه تعلقات رهیدن و از زندان طبیعت خلاص شدن. بنابراین بر حج گزاران است که این سفر معنوی و الهی را با مقاصد دنیوی و مادی نیالایند و معنویت حج را کمرنگ نکنند. وظیفه روحانیون و راهنمایان است که زائران خانه خدا و مسافران دیار وحی را پیش از سفر و در سفر، به فلسفه حج توجّه دهند و تفهیم کنند زائری که پس از عمری انتظار توفیق حج یا عمره به دست آورده، دریغ است لحظه های شیرین و گرانبهادر این سفر روحانی را خرج بازار و خیابان و سرگرمی به داد و ستد و سود و سودا کند و کالایی حمل کنند و با خفّت و ذلّت در بازارها و به شیوه دوره گردها بفروشند! به خصوص آنکه برخی حرکات زنده در انتظار حجّاج کشورهای دیگر برای زائران ما سرشکست و موجب وهن است و باید از آن جدّاً پرهیز کرد و با فروش تسبیح و زعفران و غیره حیثیت حاجیان ایرانی را لکه دار نکرد؛ زیرا آنچه در باب تجارت در حج گفته شده، خارج از این شیوه

عمل است.

غرض از این تذکر این نیست که بُعد اقتصادی حج نادیده گرفته شود که مثل معروف «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد.»

2 - کسب و تجارت در حج و عمره برای برخی از زائران و غیر زائران امری ضروری است که در روایات هم بدان مثال زده شده؛ زائرانی که قوام معیشت و تأمین زندگی شان به خرید و فروش و استفاده از این بازار بستگی دارد. بسیاری از زائران که در حوالی مکه و مدینه زندگی می کنند و در موسم حج حاضر می شوند، مردمی هستند فقیر و توشه سفر آنان همان است که در موسم، در خرید و فروش به دست می آورند و یا ذخیره مخارج خانواده خود در طول سال می کنند. برای آنها کسب و تجارت موضوعیت دارد و برخی رانندگانی هستند که اجیر می شوند و در ضمن خدمت به حجاج مناسک حج را نیز انجام می دهند. برخی خدمه ای هستند که به برکت خدمت، توفیق مناسک را نیز به دست می آورند. آمار اینگونه زائران به صدها هزار بالغ می گردد و همه ساله چنین زائرانی در موسم حضور دارند. شارع مقدس اسلام راه را بر اینان نبسته علاوه بر اینکه خدمات این گروه زائران به زائران دیگر نیز در برگزاری حج و خدمات لازم کمک و یاری می رساند و در مجموع خدمات متقابل این گروه ها در سفر پر مشقت حج اجتناب ناپذیر است و منافای با عبادت و قصد تقرب هم نیست و لذا فقهای عظام در باب «حج خدمه» بابتی از فقه گشوده و مسائل آن را تبیین کرده اند و اشکالی در اعمال و مناسک این قشر از زائران وجود ندارد.

بازار مشترک اسلامی

3 - در باب اقتصاد حج به مسأله مهمتری باید توجه کرد و آن اینکه منافع اقتصادی حج در زمان حاضر، فراتر از منافع خرد و کوچک اقتصادی است.

حج موقعیتی است که به تجارت کلان و خدمات عمده دیگر نیاز دارد. که دولت ها یا تجار کشورها و شرکت ها و کارخانه ها در آن نقش دارند. اگر کالاهای عمده از کشورهای اسلامی به بازار حج و در جهت تأمین تدارکات آن حمل و نقل گردد، تأثیر بسیار عمیقی در اقتصاد کشورهای اسلامی خواهد داشت. عمده نیاز زائران می تواند از کشورهای اسلامی و به وسیله شرکت ها و بخش های اقتصادی مسلمین و دولت های اسلامی تأمین گردد و در این صورت روا نیست کالایی که امکان تهیه آن از کشورهای اسلامی وجود دارد، از کشورهای دیگر تهیه شود. مانند گوشت و مرغ که عمدتاً (در موسم) از کشورهای غربی خریداری و مصرف می شود که علاوه بر جنبه اقتصادی خالی از شبهات شرعی هم نیست. اگر کشورهای اسلامی با برنامه ای سنجیده و حساب شده با یکدیگر همکاری داشته باشند، می توانند بسیاری از این نوع کالاها را خود تهیه و با آرم و نشان کشور اسلامی عرضه نمایند. در چنین صورتی است که آثار کلان اقتصادی حج در مجموعه جامعه اسلامی نمودار می گردد و میلیون ها نفر از دست اندرکاران تولید بهره می برند و توان اقتصادی مسلمین که زیربنای بسیاری از مسائل دیگر است، بالا می رود. تشکیل بازار مشترک اسلامی در حج بهترین فرصتی است برای کشورهای مسلمان تا این پیوند و مشارکت اقتصادی در طول سالها پابرجا بماند و بدان وسیله با فقر و بیکاری که دو عامل عمده مفاسداند مبارزه شود. تأثیر چنین پروژه ای بر سایر ابعاد زندگی مسلمین چون بعد فرهنگی و سیاسی غیر قابل انکار است. در عصری که دشمنان اسلام برای جهانی سازی کشورها با هدف وابستگی دائم ملت ها تلاش می کنند، مسلمین می توانند برای جهانی شدن مکتب و آرمان خود با اهداف انسانی و الهی با یک عزم عمومی گام بردارند و وحدت

امت را پایه ریزی کنند. جمعیت ها و تشکل های بین الملل اسلامی می بایست در این راستا حرکت کنند و به صرف شعار و اجلاس و تعارفات بسنده نکنند.

قربانی از منابع اقتصادی حج

همه ساله در موسم حج میلیون ها رأس دام طبق سنت اسلامی و احیای خاطره ابراهیم و اسماعیل با هدف معنوی و معیشتی قربانی می شود. قربانی علاوه بر جنبه معنوی آن، که نمادی از فداکردن و فدا شدن در مسیر رضای الهی و وسیله تحصیل تقوا و تقرّب و نزدیکی به خدا و ذبح کردن و سربریدن تعلّقات مادی در راه رسیدن به معنویت و عرفان است، آثار مادی و اقتصادی شایان توجّهی را همراه دارد. اگر تنها دو میلیون دام گوسفند و گاو و شتر هر سال در منا و موسم قربانی شود و معدل گوشت خالص هر یک را 30 کیلوگرم فرض کنیم این مقدار معادل شصت ملیون کیلوگرم گوشت خواهد بود و اگر هر کیلو گوشت تنها دو هزار تومان فرض شود به رقمی معادل صد و بیست میلیارد تومان خواهد رسید! چنین سرمایه عظیمی همه ساله می تواند بخش قابل توجّهی از خوراک مستمندان و نیازمندان را در سراسر جهان تأمین کند. مع الأسف فلسفه قربانی در گذشته از این بابت چنانکه شایسته آن مراسم عظیم است، مورد توجّه قرار نگرفته و سالیان دراز عمده این منبع پاک و مقدس اسلامی طعمه حریق گردیده و جز بخش کوچکی از آن به مصرف نرسیده است.

اقدامات بانک توسعه اسلامی

خوشبختانه در سنوات اخیر بانک توسعه اسلامی که با سرمایه کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی تأسیس شده و جمهوری اسلامی ایران نیز عضو فعال آن می باشد، مسؤولیت کشتارگاه های محدوده جغرافیای منا و نقاط نزدیک به آن را عهده دار گردیده و با در اختیار گرفتن کشتارگاه های تحت اختیار سازمان جهت جلوگیری از هدر رفتن گوشت قربانی اقدامات مؤثری نموده است. و سازمان حج و زیارت با هماهنگی بعثه مقام معظم رهبری، تشویق حجاج ایرانی به استفاده از تسهیلات بانک جهت انجام قربانی را تجربه نمود که این تجربه در سال گذشته نتیجه بسیار خوبی داشته است؛ به طوری که تمامی گوشت های 70032 رأس گوسفند ذبیحه توسط 5/80% حجاج ایرانی در میان فقرا و نیازمندان توزیع شد و بر اساس هماهنگی به عمل آمده میان بانک توسعه اسلامی و کمیته امداد امام خمینی قدس سره به زودی 000/20 لاشه گوشت قربانی جهت توزیع در میان فقرا و محرومان داخل کشور جمهوری اسلامی به ایران انتقال خواهد یافت و در سال آینده نیز این تعداد به 000/70 لاشه خواهد رسید. بدین ترتیب آرزوی دیرینه این سنت حسنه اسلامی، در حال جامه عمل پوشیدن است و مشکل تضییع قربانی مرتفع می گردد و از رهگذر حج، قشرهای وسیعی از نیازمندان جهان زیر پوشش این منبع غذایی قرار می گیرند.

مشکلی که در این میان وجود دارد محدودیت زمانی و مکانی و امکانات ذبح قربانی و جمع آوری آن طی یک روز عید قربان است که از این بابت شایان ذکر است بنابه اظهار رییس بانک توسعه، حدود 300 هزار حاجی خارجی شافعی مذهب قبل از ایام تشریق در محدوده جغرافیایی شهر مکه و شهروندان سعودی که سالانه جمعیت زیادی از حجاج را تشکیل می دهند و در مکه و اطراف آن قربانی می کنند و تعداد زیادی با گرفتن روزه از انجام قربانی معاف می شوند. مع الوصف رقم بسیار بالای قربانی طی یک روز و در منطقه محدود، خالی از دشواری نیست و بسیار می شود که زائران ایرانی که در روز عید موفق به انجام قربانی نمی شوند و به روز یازدهم می

انجامد ناچارند از احرام خارج نشوند. جای آن دارد که علما و فقهای عظام نسبت به ضرورت امر ترتیب اعمال منا در این مقطع باز نگری کرده و راه کارهای فقهی مناسبی ارائه فرمایند تا زائران ایرانی بتوانند با آرامش کامل و بدون نگرانی اعمال خود را انجام دهند.

روایات و فلسفه قربانی

باری فلسفه قربانی چنانکه در آیات و روایات بدان تصریح شده، اطعام مساکین و گرسنگان است همانگونه که آیه کریمه: «فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ...» (20) و آیه «فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ...» (21) دستور می دهد که چون قربانی ذبح شد و بر زمین افتاد از آن بخورید و به مستمندان و فقیران و گدایان بخورانید. و روایت نبوی: «إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْأَعْضَى لِتَشْبَعَ مَسَاكِينُكُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَأَطْعِمُوهُمْ»؛ (22) «خداوند این قربانی را از آن جهت مقرر داشت تا مستمندان شما از آن به حدّ کافی بهره برند پس آنان را اطعام کنید.» اطعام گرسنگان را در فلسفه قربانی ملحوظ داشته، نه هدر دادن آن را. به خاطر همین حکمت تعدد قربانی نیز مطلوب است چنانکه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که 63 شتر به عدد سالهای عمر مبارکشان در منا با دست خود نحر نمودند و به علی علیه السلام دستور دادند شتران دیگری را قربانی کند تا به صد شتر برسد که مفهوم این روایات توسعه دادن هر چه بیشتر کمک های انسانی به نیازمندان از رهگذر مناسک حج است. به طور خلاصه، قربانی سرمایه کلان و ارزشمند اقتصادی و معیشتی است برای گرسنگانی که در سراسر جهان با فقر و تهی دستی دست به گریبانند و از کمبود غذا رنج می برند.

مبارزه با استثمار

نکته دیگری که در اقتصاد حج شایان تأمل است اینکه: نباید موسم حج و بازار اقتصادی آن و یا نذورات و تبرّعات و سایر منابع مالی و معیشتی به صورت ابزار ثروت اندوزی در دست معدودی پولدار و استثمارگر باشد. این موضوع علاوه بر آنکه در طرح های جامع اقتصادی اسلام همه جا نقش بنیادین ایفا می کند. در حج نیز به دلیل اهمیت ویژه اش لحاظ گردیده است. با چنین فلسفه اقتصادی است که ائمه دین علیهم السلام مردم را توجّه می دادند که هدایا و نذورات کعبه را اگر به مصرف نیازمندان نمی رسد و به جیب پولداران و متولیان وابسته سرازیر می گردد، از دادن آن خودداری کنند و اساساً نذوراتی که نه در جهت مصلحت مردم فقیر و یا مصالح اسلام است مشروعیت ندارد.

سکونی از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از قول امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لَوْ كَانَ لِي وَادِيَانِ يَسِيلَانِ ذَهَبًا وَ فِضَّةً مَا أَهْدَيْتُ إِلَى الْكَعْبَةِ شَيْئًا لِأَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْحَجَبَةِ دُونَ الْمَسَاكِينِ». (23) «اگر در اختیار من دو وادی باشد که سیل طلاونقره در آن جاری شود و موج بزند، چیزی از آن را به کعبه هدیه نمی کنم؛ چرا که به دست پرده داران و متولیان می رسد نه به دست نیازمندان و فقیران.»

و نیز در روایتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام رسیده، آمده است:

«إِنَّمَا لَا يُسْتَحَبُّ الْهَدْيُ إِلَى الْكَعْبَةِ لِأَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْحَجَبَةِ دُونَ الْمَسَاكِينِ». (24)

«هدیه دادن قربانی برای کعبه استحباب ندارد؛ زیرا به دست پرده داران و نگهبانان و متولیان می رسد نه بیچارگان و مستمندان.»

مفهوم این روایات این است که قربانی و نذورات و هدایا و هر منفعت اقتصادی دیگر در رابطه با حج، همانا یاری رساندن به نیازمندان و زدودن فقر و گرسنگی از چهره جامعه اسلامی است و اگر قرار باشد سود اینها به جیب

ثروت اندوزان ریخته شود از آن باید خودداری کرد و معلوم است که در عصر امام صادق علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام تولیت کعبه در دست چه کسانی بوده است. خلفای اموی، مروانی و عباسی که نه تنها شایستگی پرده داری و تولیت کعبه را نداشتند؛ بلکه از آن کانون مقدس به نفع مقاصد شوم نفسانی و استثمار بهر می گرفتند و هدایا عنوان اعانت به ظلم را داشته که در قرآن به صراحت ممنوع و حرام گردیده است. این ملاکی است که پایه گذاران حج به دست داده اند و برای همیشه باید سرمشق عمل مسلمین باشد؛ حج برای خدا، خدمات مالی برای قرب خدا و کمک به نیازمندان جامعه و مبارزه با هر نوع استبداد و استثمار و زراندوزی دشمنان مردم.

پی نوشت ها :

- 1 . حج : 27 و 28
- 2 . تفسیر ابن کثیر، ج3، ص214
- 3 . بقره: 98 ؛ «باکی نیست بر شما که در جستجوی فضل پروردگار خود باشید.»
- 4 . مجمع البیان، ج2، ص527
- 5 . البرهان فی تفسیر القرآن، ج1، ص431 از تفسیر عیاشی.
- 6 . ابراهیم: 37
- 7 . قصص: 57
- 8 . وسائل الشیعه، ج8، ص4
- 9 . همان، ص7
- 10 . وسائل الشیعه، ج8، ص41 ؛ کافی، ج4، ص252
- 11 . نهج البلاغه، خطبه 110
- 12 . احتجاج طبرسی، ص64 ؛ مستدرک الوسائل، ج8، ص43
- 13 . وسائل الشیعه، ج8، ص75
- 14 . وسائل الشیعه ج8، ص40
- 15 . علل الشرایع، ج2، ص405 ؛ عیون اخبار الرضا ج2، ص90
- 16 . علل الشرایع، صص 405 - 406
- 17 . وسائل الشیعه، ج8، ص41
- 18 . من لا یحضره الفقیه، ج2، ص144
- 19 . وسائل الشیعه، ج8، ص41
- 20 . حج: 36
- 21 . حج: 27
- 22 . مناسک الحجّ والعمره، ص226، ابن قیم الجوزیه ؛ من لایحضره الفقیه، ج2، ص200
- 23 . علل الشرایع، ص408 ؛ وسائل الشیعه، ج13، ص255

24 . وسائل الشيعه، ج8، ص358 ؛ من لايحضره الفقيه، ج2، ص193